

تبیین هویتی از ساختار تخصصی در روابط ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران

فاضل فیضی^۱

استادیار روابط بین‌الملل، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

(تاریخ دریافت ۹۸/۲/۲۳ - تاریخ تصویب ۹۹/۱۲/۱۴)

چکیده

انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، رویدادی بود که گفتمان هویت بخش آن در عرصه خارجی (آرمانگرایی انقلابی) مبتنی بر عناصر گفتمانی استقلال، مبارزه با امپریالیسم، استکبارستیزی و حمایت از جنبشهای آزادیبخش بود. شکل‌گیری چنین گفتمانی در کشور و منطقه‌ای که جزیره ثبات آمریکا تلقی می‌شد، با اهداف و منافع این کشور هماهنگی نداشت. به گونه‌ای که با تسخیر سفارت آمریکا بعنوان لانه جاسوسی از سوی دانشجویان پیرو خط امام (ره)، ایالات متحده ضمن قطع روابط دیپلماتیک خود با ایران، طیفی از اقدامات خصمانه را علیه ایران اتخاذ کرد که تا کنون نیز بعد از گذشت بیش از چهل سال ادامه دارد. در این پژوهش ضمن بازشناسی موانع تحول روابط دو کشور، تضاد منافع آنها را از منظر هویت و هنجارهای مقوم هویت که مورد تاکید نظریه سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل است، بررسی نموده و بیان می‌گردد که اگر چه در برهه‌هایی در موضوعات مشخص و معین، مذاکرات محدود و موردی بین دو کشور صورت گرفته است، اما بدلیل تضاد هویتی آنها امکان تغییر بنیادین در روابط ایران و ایالات متحده آمریکا وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: ایران، آمریکا، انقلاب، تخصص، روابط خارجی، هویت و سیاست خارجی.

Email: fazel_feizy@yahoo.com

^۱ نویسنده مسئول

فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال سیزدهم، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۹۹، صص. ۱۴۸ - ۱۲۱.

DOR:20.1001.1.24234974.1399.13.4.3.9

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

مقدمه

یکی از موضوعات مهم در محافل علمی و پژوهشی در خصوص روابط ایران و آمریکا، تبیین علت الگوی رفتاری تخاصم در روابط دو کشور می باشد. علیرغم گذشت بیش از چهل سال از قطع روابط دیپلماتیک دو کشور، تضاد منافع، روابط ایران و ایالات متحده را در سطوح ملی، منطقه ای و بین‌المللی شکل داده و همچنان ساختار تخاصم و تنش وضعیت غالب در روابط متقابل آنها می باشد. بر این اساس سوال اصلی که در اذهان پژوهشگران روابط دو کشور باقی مانده، این است که به چه دلیلی الگوی رفتاری تخاصم بر روابط دو کشور حاکم است؟ و اینکه آیا امکان تحول روابط دو کشور وجود دارد؟ مهمترین موانع موجود در این زمینه چه مواردی می باشند؟ و این که شرایط و شروط تحول چیست؟ پژوهش حاضر برای پاسخ به این پرسش اصلی و پرسش های فرعی فوق تنظیم گردیده است. لازم به ذکر است که نحوه پرداختن به روابط دو کشور در چارچوب بحث تئوریک سازه انگاری می باشد و در نتیجه اطلاعات گردآوری شده و سامان یافته از منطق چارچوب نظری پژوهش حاضر پیروی می نماید.

الف) چارچوب نظری پژوهش

به لحاظ تئوریک با توجه به نظریه سازه انگاری در روابط بین‌الملل که بر نقش هویت، هنجارها و ادراک از هویتها در شکل گیری منافع کشورها تاکید دارد، بهتر می توان بستر نظری روابط ایران و آمریکا را مورد بررسی قرار داد. زیرا در چارچوب این نظریه شناخت محیط ذهنی - ادراکی کارگزار جهت فهم رفتار کارگزار سیاست خارجی از اهمیت خاصی برخوردار است (ستوده آرانی، ۱۳۸۱: ۱۱). بر اساس نظریه سازه انگاری، از آنجایی که دولتها در جهانی زندگی می کنند که محصول فهم بین‌الذنهانی و مشترک است، کنش گران در طول زمان و با رویه ها و اقدامات خود و براساس فهمی که از واقعیت نظام و روابط حاکم بر آن دارند، عمل کرده و حاصل آن وضع موجود است. لذا وضع موجود در نظام بین‌الملل نه طبیعی است و نه اجتناب ناپذیر. در نتیجه امکان دگرگونه ساختن آن نیز وجود دارد. اما همان گونه که شکل گیری آن محصول تعاملات، رویه ها و فهم مشترک بوده است، تغییر آن نیز به همین گونه است (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۳۹). بر این

اساس دولتها ممکن است به گونه ای جهان را بسازند که امکان تغییر در آن کمتر باشد و ممکن است به گونه ای به رویه ها و تعاملاتشان شکل دهند که تغییر در نظام بین الملل به سرعتی کم یا بیش شکل گیرد. برخی از تغییرات ناشی از تغییر در محیط نظام بین الملل مانند تغییرات تکنولوژیک می باشند و بخشی نیز به کنش ها و عملکردها و برداشت های بازیگران دولتی و غیر دولتی از یکدیگر، کلیت نظام، ماهیت آن و فرآیندهای آن و... مربوط است.

در نظریه سازه انگاری بر نقش هویتها در شکل گیری هویتها تاکید می شود. هویت و نقش آن در شکل دهی منافع و کنش بازیگران یکی از گزاره های مهم هستی شناسانه سازه انگاری محسوب می شود (خسروی، ۱۳۹۷: ۵۷). بر طبق این نظریه، هویتها امور اجتماعی، رابطه ای و بین الازدهانی هستند و از ساختارهای هنجاری و تا حدی عوامل و زمینه های مادی تاثیر می پذیرند. براین اساس هویت امری است پویا و با تغییر ساختار اجتماعی، تغییر در روابط و ذهنیت کشورها، امکان تحول در روابط آنها را میسر می سازد. در واقع هویتها و منافع، اموری مرتبط هستند و وقتی موقعیت را تعریف میکنیم، آنها نیز تعریف می شوند (هادیان، پیشین: ۹۲۱) بدین سان عنصر تغییر وارد نظام بین الملل و رفتار دولتها میشود. زمانی که هنجارهای سازنده هویت بازیگر تغییر یابد، به تبع آن هویت، منافع و رفتار یک بازیگر نیز تغییر می کنند (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۳۰۹).

از نظر «الکساندر ونت»^۱ این رویه ها هستند که ساختار خاصی از هویتها و منافع را می سازند، لذا همه چیز به رویه دولتها و نوع نگاه آنان بر می گردد. از نظر «ونت» خود یاری^۲ و آنارشی^۳ خصوصیات ذاتی و جوهری نظام بین الملل نیستند، بلکه نهاد هستند، یعنی اموری هستند که دولتها آنها را می سازند، یعنی اینکه با توجه به رویه دولتها شکل گرفته اند، در نتیجه اگر رویه های دولتها تغییر یابد در نتیجه سرشت نظام بین الملل و در نتیجه هویت و منافع دولتها هم تغیر می یابد. سازه انگاران سیستمی از جمله «ونت» به امکان تغییر و تحول هویت

¹ Alexander Wendet

² Self Help

³ Anarchy

در سطح نظام بین‌الملل می‌پردازند و حتی خود «ونت» به چگونگی شکل‌گیری هویت با توجه به فرآیند داخلی نمی‌پردازد، در مقابل سازه‌انگاران کل‌گرا و سطح واحد، محور بحث خود را به چگونگی برساخته شدن دولتها با توجه به فرآیندهای داخلی نیز تاکید دارند (کلارک، ۱۳۸۲: ۱۲). از نظر افرادی مانند «کراتوچویل»^۱ تغییر و تحول در نظام بین‌الملل بستگی به کنشهای کنشگران آن دارد که به بازتولید آن می‌پردازند و هنجارها و قواعد بین‌المللی جدیدی ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، باز تولید رویه‌های کنشگران بین‌المللی (دولتها) وابسته به باز تولید رویه‌های کنشگران داخلی (یعنی افراد و گروه‌ها) می‌باشد. بنابراین دگرگونیهای بنیادین در سیاست بین‌الملل هنگامی رخ می‌دهد که باورها و هویت‌های کنشگران داخلی تغییر کند و از این طریق قواعد و هنجارهای قوام بخش در رویه‌های سیاسی آنها تغییر ایجاد کند. حال بر اساس این تمهید نظری به بررسی موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

ب) موانع موجود در روابط دو کشور ایران و ایالات متحده آمریکا

با بررسی موشکافانه روابط ایران و آمریکا شاهد وجود ساختار نهادینه شده تخاصم در روابط دو کشور هستیم که از یک طرف ریشه در ماهیت و نوع نظام سیاسی آنها دارد، از طرفی هم ریشه در علل و عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. ماهیت و هویت نظام سیاسی ایران باعث شده است که جهت‌گیری کلی سیاست خارجی ایران در تقابل و تخاصم با آمریکا (به عنوان مظهر سلطه) شکل بگیرد و علت آن هم در ماهیت انقلابی-اسلامی نظام سیاسی ایران است. چرا که اساس انقلاب در فرآیند شکل‌گیری، استقرار و تداوم در تقابل با غرب بویژه با آمریکا (به عنوان مظهر شیطان، سلطه و استثمار) شکل گرفته است. علاوه بر عوامل هویتی و ماهیتی، مجموعه‌ای از عوامل داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی و دوجانبه را نیز می‌توان در روابط دو کشور شناسایی کرد که در سطوح مختلف، روابط آنها را به صورت سلبی متاثر می‌سازند. به این معنی که در هر دو کشور یکسری موانع داخلی وجود دارد که بر روابط دو کشور اثرات سلبی دارند.

^۱ Kratochwill

۱- موانع موجود در تحول روابط دو کشور در سطوح ملی:

موانع موجود در سطوح ملی را در دو سطح داخل آمریکا و ایران قابل بررسی می باشد:

۱-۱) در سطح داخلی آمریکا: آمریکا از محدود جوامع غربی است که ساختار حکومتی آن به شدت متأثر از عملکرد گروههای فعال در حیطه سیاست خارجی است (دهشیار، ۱۳۸۳: ۴۲) در این راستا نقش متغیرهای داخلی آمریکا در شکل دهی الگوی رفتاری این کشور در قبال ایران، بسیار پراهمیت می باشد. به همین دلیل از نظر برخی «دومین صنعت بزرگ در واشینگتن بعد از حکومت، همان صنعت لابی کردن است» (Groos, 1996: 205). «هر چند که بسیاری، عملکرد گروهها را در فرایند لابی کردن به مفهوم دور شدن هر چه بیشتر شهروندان عادی از صحنه سیاست می دانند». (Greenberg, 1995: 241) در این چارچوب گروه های سیاسی و اجتماعی مخالف ایران و رسانه های وابسته به آنها مانند لابی های صهیونیستی نقش جدی در تهدید نمایی ایران برای اهداف و منافع آمریکا دارند. در این راستا اگر بخواهیم به یکسری از متغیرهای داخلی تاثیرگذار بر الگوی رفتاری تخصص آمیز آمریکا در قبال ایران بپردازیم، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱-۱-۱) اعمال نفوذ لابی های صهیونیستی: یکی از علل تداوم سیاست خصمانه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ، اعمال نفوذ لابی های صهیونیستی است که مهمترین آنها «آپیک»^۱ می باشد. اسرائیل هم به مانند آمریکا جایگاه والایی در ابعاد بین المللی گفتمان انقلاب اسلامی ایران داشته است، به این معنی که در فرآیند شکل گیری، تداوم و تثبیت هویت و گفتمان انقلاب اسلامی ایران، اسرائیل نقش یک دشمن غاصب و «غیر»^۲ را برای جمهوری اسلامی ایران داشته است. بر این اساس، طبیعی بود که بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ایران اسرائیل را غاصب سرزمین فلسطین تلقی نموده و از شناسایی آن سرباز زده است. جملاتی مانند «اسرائیل باید از بین برود» «غده سرطانی در منطقه» و «رژیم اشغالگر» از جمله عباراتی است که جمهوری اسلامی

¹ The American Israel Public Affairs Committee (AIPAC)

² Other

توسط آن، اسرائیل را توصیف می‌نماید. علاوه بر این، ایران و اسرائیل در رقابت برای کسب موقعیت برتر در منطقه خاور میانه، دائما در صدد محدود کردن یکدیگر می‌باشند.

بر این اساس اسرائیل تلاش نموده است تا از گروه‌ها و لابی‌های صهیونیستی در داخل آمریکا برای پیشبرد منافع خود و تشدید تخاصم مابین ایران و ایالات متحده استفاده نماید. به طور مثال بیشتر لوایح و طرحهای تحریم اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران مانند «دآماتو» و «هلمزبرتون» که در دوران ریاست جمهوری «بیل کلینتون» علیه ایران به تصویب رسید، توسط «آپیک» تهیه و تنظیم شده بود. تلاش در جهت متعهد نمودن آمریکا نسبت به امنیت اسرائیل، از جمله اقدامات لابی‌های صهیونیستی علیه ایران می‌باشد. مثلا با انتشار گزارش «بیکر هامیلتون» در مورد وضعیت آمریکا در عراق که بر لزوم مذاکره با ایران تاکید شده بود، مقامهای اسرائیلی با ابراز نگرانی شدید، مذاکره آمریکا با ایران را موجب تنها ماندن اسرائیل در برابر تهدید هسته‌ای ایران دانستند و این مسأله را مطرح کردند که ایران ممکن است از این مذاکرات به عنوان ابزاری برای سرپوش گذاشتن بر برنامه‌های هسته‌ای خود استفاده نماید (Keinon, 2007:2).

با ملاحظه عمده‌ترین اتهامات آمریکا علیه ایران مانند: ۱- مخالفت با روند به اصطلاح صلح خاورمیانه و اسرائیل ۲- حمایت از تروریسم. ۳- تلاش برای دستیابی به سلاحهای کشتار دسته جمعی ۴- وضعیت حقوق بشر، می‌توان گفت که این اتهامات به انحاء مختلف با امنیت و منافع اسرائیل پیوند خورده است. بر این اساس اگر چه در موارد خاص امکان همکاری موردی میان ایران و آمریکا وجود دارد، اما تا زمانی که پیوندهای فعلی میان آمریکا و اسرائیل وجود دارد، یکی از عمده‌ترین کانونهای بازتولید ساختار تخاصم بین آمریکا و ایران تداوم خواهد یافت. در واقع تعهد آمریکا نسبت به امنیت اسرائیل و نفی موجودیت رژیم صهیونیستی به عنوان یک رژیم غاصب و غیر مشروع از سوی ایران نقطه تلاقی تخاصم دو کشور می‌باشد. امروزه توان تاثیر گذاری لابی صهیونیستی به قدری بالاست که جلب حمایت یهودیان آمریکا برای نامزدهای رقیب در ایام انتخابات بسیار ضروری است. چرا که حمایت قاطع آنها از هر نامزدی در پیروزی وی تاثیر به سزا دارد. نفوذ قدرتمندانه لابی صهیونیسم در آمریکا، تحت

تأثیر متغیرهای متعددی است که عمده ترین آنها عبارتند از: فرهنگ وحدت گرا، توان سازمانی، سطح بالای نخبگی، نفوذ قوی رسانه ای و حضور در کنگره و کابینه. (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۱۵۲) لابی گران صهیونیست در آمریکا در مورد سیاست خاورمیانه ای آمریکا بسیار حساس هستند. آنها بویژه جمهوری اسلامی ایران را تهدید بزرگ علیه امنیت اسرائیل دانسته و از این رو سیاست خارجی دولت آمریکا را در راستای تحت فشار قرار دادن هر چه بیشتر آن جهت می دهند. در این میان، اکثر نخبگان سیاسی یهودی تبار در دستگاه حکومتی آمریکا، مستقیماً به صورت حافظ منافع اسرائیل عمل می کنند.

برای مثال سیاست «مهار دو جانبه» که در چارچوب آن ایران و عراق در مقام دو دشمن اصلی، تحت فشارهای تحریمی ایالات متحده قرار گرفتند، توسط سفیر یهودی تبار آمریکا در اسرائیل به نام «مارتین ایند ایک»^۱ طراحی گردید. ایشان در سال ۱۹۹۹ به عنوان معاون آسیای نزدیک وزارت امور خارجه آمریکا می گوید: «سیاست تحریمهای ما در برابر ایران به قوت خود باقی است... تحریمهای آمریکا پاسخی به اعمال دولت ایران هستند که عرف بین المللی را نقض کرده و منافع ما و متحدانمان را تهدید می کند (ایند ایک، ۱۳۷۸: ۱۶۰) وی این طرح را در سال ۱۹۹۳ م به دولت کلینتون ارائه کرد و دولت آمریکا نیز این طرح را با جدیت اعمال نمود. در دولت جورج بوش پسر نیز یهودیان ذی نفوذی در دستگاه های مرتبط با سیاست خارجی آمریکا از جمله «پل ولفوویتز»^۲، «ریچارد پرل»^۳ و «آری فیشر»^۴ در ترسیم سیاست خاورمیانه ای آمریکا نقش مهمی ایفا کردند. در این میان، به ویژه «ولفوویتز» در طرح حمله به عراق و اعمال فشارهای گسترده علیه ایران و سوریه فعالانه تلاش کرد (قنبرلو، پیشین: ۱۵۳).

لابی گران یهودی در آمریکا، اعم از آنهایی که در دولت و کنگره حضور دارند یا آنهایی که به صورت مستقل یا در قالب سازمانهای غیر دولتی فعالیت می کنند، غالباً در پی سخت

^۱ Martin Indyk

^۲ Paul Wolfowitz

^۳ Richard Perle

^۴ Ari Fisher

تر کردن مواضع آمریکا در قبال ایران هستند. آنها ملایم شدن مواضع آمریکا در قبال ایران را نگران کننده می دانند و از این رو از هر گونه فرصتی برای پرتنش کردن روابط آمریکا و ایران بهره می گیرند. موضع گیری خشمگینانه «بنیامین نتانیاها» در طول مذاکرات مستقیم هسته ای بین وزرای خارجه ایران و آمریکا در همین راستا قابل بحث است.

۱-۱-۲) دیدگاه‌های نو محافظه کارانه در آمریکا: گرایشات نئو محافظه کارانه نیز به محافل اسرائیلی بسیار نزدیک است. نئومحافظه کاران عمدتاً مخالف استفاده از ابزارهای دیپلماتیک در مورد ایران هستند و معتقدند دیپلماسی در قبال ایران نوعی باج دهی می باشد.

بر این اساس، نظریه پردازان نئومحافظه کار بر متزلزل کردن حکومت ایران از طریق حمایت از گروهک‌ها و جریانهای معاند و حمله نظامی تاکید دارند. از نظر اینها امکان دستیابی ایران به سلاحهای هسته ای که تهدیدی فوری نسبت به منافع اسرائیل تلقی می شود، باعث شده است نئو محافظه کاران بیش از پیش بر استفاده از گزینه نظامی اصرار ورزند. در این رابطه، نئومحافظه کاران با اتکا بر رویکرد جنگ پیشگیرانه خواهان تغییر رژیم ایران از طریق گروهها و طرفهای به اصطلاح آزادی خواه و دموکراسی طلب هستند. هرچند بسیاری از آنها در نظرات خود استراتژی بی ثبات سازی حکومت ایران را راهی موثر برای مقابله با تهدیدهای ایران تلقی می کنند، اما تحت عنوان مقابله فوری، بر انجام حملات هوایی و موشکی علیه ایران تاکید زیادی به عمل می آورند (Barry, 2006: 1).

۱-۱-۳) گرایشات مذهبی در آمریکا: مذهب و اعتقادات مذهبی یکی از معیارهای تعیین کننده الگوی رفتار سیاسی آمریکاییان می باشد. جامعه و زلمندان آمریکایی تلاش دارند تا روح مسیحی را در رفتار سیاسی خود منعکس نمایند. این امر را می توان به عنوان بستری برای هماهنگ سازی رفتار اجتماعی با ضرورتهای بین المللی دانست. به همان گونه ای که مسیحیت را آمریکاییها عامل اصلی انسجام اجتماعی خود می دانند، تلاش قابل توجهی انجام گرفته تا بسترهای لازم برای پیوند هنجارهای داخلی با ضرورتهای بین المللی فراهم شود. در این ارتباط آنان به موازات بهره گیری از مذهب، تلاش دارند، تا خود را به عنوان «مردمان برگزیده» (Chosen People) تلقی نمایند که در سرزمین موعود

مستقر شده اند. به این ترتیب بیت المقدس جدیدی را ایجاد نموده اند که صرفاً از طریق مرگ فداکارانه می تواند روح مذهبی را در عرصه بین المللی ترویج نمایند (Johnson, 1985: 85).

چنین نگرشی در رفتار سیاسی آمریکاییها نسبت به ایران و سایر کشورهای جهان نمود پیدا می کند. در این ارتباط تعارضات سیاسی نیز ماهیت مذهبی دارند. این امر بیانگر نمادهایی از ایدئولوژیک گرایی در آمریکا محسوب می شود. در هر دورانی که گروههای محافظه کار به قدرت می رسند، طبیعی است که جلوه هایی از قواعد ایدئولوژی نیز به عنوان چاشنی رفتار سیاسی به کار گرفته شود. جدالهایی که در طی سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در معادلات رفتاری ایران و آمریکا ایجاد شده است، بخشی از این جدالها براساس مولفه های مذهبی و ایدئولوژیک قابل تفسیر می باشند.

۱-۱-۴) خصیصه سلطه گری و استکباری آمریکا: سلطه جویی و سیاست مستکبرانه یکی از ویژگی های سیاست خارجی آمریکا در قبال کشورهای دیگر بویژه ملل آزاد و مستقل می باشد. در واقع خصیصه فوق از نظر رهبران جمهوری اسلامی ایران مهمترین دلیل عدم مصالحه و سازش ایران با آمریکا می باشد. از نظر ایران تا زمانی که آمریکا خوی استکباری و قلدری خود را کنار نگذارد، امکان هیچ گونه مذاکره، سازش و مصالحه ای وجود ندارد. در واقع علت عدم رابطه ایران با آمریکا، به خود آمریکا و سیاستهای زور مدارانه و سلطه گرایانه این کشور بر میگردد، نه به جمهوری اسلامی ایران و اینکه جمهوری اسلامی ایران خواستار حل و فصل مسائل خود نیست. کما اینکه رهبری انقلاب در ۲۷ اسفند ۱۳۸۰ در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام بیان داشته اند که: «امام(ره) می فرمود اگر آمریکا آدم شود و خوی استکباری خود را کنار بگذارد ایران با آمریکا نیز مثل دیگر کشورهای جهان ارتباط برقرار خواهد کرد اما آمریکاییها همچنان خواب سلطه دوران پهلوی را می بینند» (www.leader.ir).

۱-۲) در سطح داخلی ایران: رابطه ایران با آمریکا، به مانند روابط رایج یک دولت با دولت دیگر در محیط بین المللی نیست، در واقع رابطه و عدم رابطه ایران با ایالات متحده موضوعی

خاص هست که از ماهیت نظام سیاسی ایران و نوع سیاست خارجی و نوع منطق سیاست خارجی آن که اصطلاحاً به آن منطق تناسب^۱ می‌گویند ناشی می‌شود. از منظر جمهوری اسلامی ایران، چندین عامل از موانع عمده تحول در روابط ایران با آمریکا می‌باشد.

۱-۲-۱) جهت‌گیری انقلابی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران: اساساً جهت‌گیری جمهوری اسلامی ایران در برابر ایالات متحده از ماهیت هنجاری و انقلابی جمهوری اسلامی ایران ناشی می‌شود و تا زمانی که جمهوری اسلامی برای خود رسالت انقلابی و استکبارستیزی قائل است، مبارزه با آمریکا به عنوان مظهر سلطه و استکبار تداوم خواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را مظهر سلطه و زورگویی می‌داند که به دنبال سلطه بر ملت‌های دیگر می‌باشد. از نظر جمهوری اسلامی ایران، آمریکا مخالف اسلام و ارزش‌های اسلامی بوده و مروج ارزش‌های لیبرال می‌باشد و دنبال ترویج لیبرالیسم و سکولاریسم در دنیا می‌باشد. براین اساس ایران به عنوان جمهوری اسلامی ایران و با ماهیت فعلی نمی‌تواند، سازشی با ایالات متحده داشته باشد (مهدی زاده، ۱۳۸۶: ۲۰). علاوه بر این همانطور که ذکر شد، اساس جهت‌گیری انقلاب اسلامی ایران مبارزه با سیادت و سلطه آمریکا در ایران و منطقه بوده است و مبارزه با آمریکا کانون جهت‌گیری انقلاب اسلامی ایران را شکل می‌دهد. نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران به گونه قابل ملاحظه‌ای تحت تاثیر مبانی ارزشی انقلاب اسلامی قرار دارند. آنان تلاش دارند تا مبانی اسلامی را با هنجارهای سیاسی و اجتماعی پیوند دهند. انقلاب اسلامی ایران با تاکید بر شاخص‌های ایدئولوژیک و فرهنگی خود، سرسختانه در برابر وابستگی به آمریکا مقاومت نموده و مقابله با آن را به عنوان بخشی از رسالت سیاسی و ایدئولوژیک خود تلقی می‌نماید. براساس نگرش انقلابی رهبران سیاسی ایران، نظام بین‌الملل به دو حوزه کاملاً متعارض تقسیم می‌گردد که در یک طرف جمهوری اسلامی ایران در دارالاسلام قرار گرفته و نقش ام‌القراء را دارد و در طرف دیگر، آمریکا در دارالکفر قرار گرفته است. (Ramazani, 1992: 395) تا هنگامی که در ایران اسلامی به عنوان ام‌القراء اسلام فریاد دفاع از مسلمانان سرداده می‌شود، تمام فشارهای دنیای استکبار

^۱ Logic of appropriateness

متوجه ایران است... دنیای استکباری بداند ما هرگز از اسلام و دفاع از ارزشهای اسلامی دست نخواهیم کشید. (بیانات رهبری، اطلاعات: ۲۱ اسفند ۱۳۷۲).

این نگرش، در عین اینکه تضادهای ادارکی مقامات سیاسی ایران و آمریکا را به گونه قابل ملاحظه ای افزایش داده و آمریکا به عنوان شیطان بزرگ مورد خطاب قرار گرفته است. (Ramazani, 1992: 395) از نظر ایران مقاومت در مقابل قدرتهای سلطه گر و تاکید بر آرمانهای انقلاب، نوعی آرمان خواهی واقع بینانه است که به طور جدی مبتنی بر واقعیت های عینی سیاست بین الملل است (دهشیری، ۱۳۹۷: ۲۰۵).

۱-۲-۲) مخالفت با موجودیت رژیم صهیونیستی: ضدیت جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل همواره در پیوند عمیق با ضدیت جمهوری اسلامی با آمریکا بوده است. سالهای ۱۳۴۱-۱۳۴۲ که حرکت های اعتراضی مردم به رهبری امام خمینی (ره) علیه حکومت پهلوی آغاز شد، ضدیت با اسرائیل در خط مشی آنها آشکار بود. پس از انقلاب اسلامی ایران نیز، روابط ایران و اسرائیل قطع شد و حتی پیش از اشغال سفارت آمریکا، سفارت اسرائیل، مورد حمله قرار گرفت. با توجه به پیوند ناگسستنی و راهبردی که بین اسرائیل و آمریکا وجود دارد و تعهد آمریکا نسبت به امنیت اسرائیل و نفوذ - لابی های صهیونیستی در دستگاه سیاست گذاری آمریکا، خصومت ایران با اسرائیل باعث گریه است که ساختار تخصص بین آمریکا و ایران تشدید یابد. با توجه به اینکه موضع گیری جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی برگرفته از ارزشها و هنجارهای مقوم ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران هست، می توان گفت که حتی با فرض حل و فصل مسائل و مشکلات موجود مابین ایران و آمریکا، مسأله اسرائیل همچنان یک موضوع چالش بر انگیز در روابط دو کشور ایران و آمریکا نقش بازی خواهد کرد.

۱-۲-۳) قدرت منطقه ای و تضاد نقشها: یکی از عرصه های چالش جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا رقابت بر سر قدرت در مورد ایفای نقش یک قدرت منطقه ای است. ایالات متحده بدنبال هژمونیک گرایی و حضور هژمونیک گونه در مناطق استراتژیک

جهان می باشد. بر این اساس ایالات متحده با هر گونه چالش قدرت خود در منطقه ای که ۷۰ درصد ذخایر انرژی جهان را به خود اختصاص داده است مقابله می نماید. همانند آمریکا ایران نیز افزایش نفوذ هژمونیک آمریکا در منطقه را با توجه به سابقه دشمنی و خصومت این کشور، تهدیدی مستقیم برای امنیت خود تلقی می کند. بنابراین ریشه های اصلی تنازع به احساس تهدید متقابل از سوی دو طرف بر می گردد که در میدانهای مختلف منطقه ای سعی در دفع تهدید یکدیگر دارند. به عبارت دیگر، از نظر ایران، آمریکا از زمان وقوع انقلاب اسلامی، سعی کرده تا با اعمال تنگناها و تحریمهای اقتصادی، توطئه ها و تهدیدات نظامی، اعتماد به نفس ایران را خدشه دار کرده و مانع از توسعه همه جانبه، فرصت سازی و افزایش نفوذ ایران در سطح منطقه گردد (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

۱-۲-۴) اسلام سیاسی: تاکید ایران بر صدور انقلاب و ارائه الگویی از انقلاب اسلامی موفق که توانسته است به روابط سلطه آمیز غرب با ایران خاتمه داده و قدرت هژمونیک نظام بین الملل را به چالش بکشد، یکی از نقاط برخورد منافع آمریکا با ایران می باشد. جمهوری اسلامی ایران خود را رهبر و حامی جنبشهای رهایی بخش و ملل مسلمان می داند و تلاش دارد انگاره ها، ارزشها و پیام معنوی انقلاب خود را صادر نماید. از زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ موجی از بیداری اسلامی در منطقه و جهان اسلام شکل گرفته است که بخش عمده ای از آن تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران بوده است (www.Bashgah.Net).

۱-۲-۵) هویت الهام بخشی انقلاب اسلامی ایران: یکی دیگر از دلایل مخالفت جمهوری اسلامی ایران با هرگونه مذاکره و گفتگو با امریکا، نگاه هویتی ایران به موضوع رابطه با آمریکاست. به این معنی که، از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران برای خود نقش رهبر و طلایه دار انقلابی برای نهضتها و جریانهای اسلامی در جهان اسلام قائل هست، هرگونه مذاکره را به معنای عقب نشینی از هویت الهام بخش خود می داند. در این زمینه رهبری انقلاب، آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) بیان داشته اند: «آمریکا میگوید، بیایید مذاکره کنیم، نمی گوید رابطه برقرار کنیم، مذاکره یعنی چه، یعنی آن پیوندی را که جمهوری اسلامی قطع کرد و برید و

همان موجب شد که تمام عواطف صادقانه ی ملت‌های دنیا به این نظام جلب شود، دومرتبه برقرار کند. یعنی در درجه اول، یک ضربه نمایان به جمهوری اسلامی بزنند و از آنجا که تبلیغات هم در دست آنهاست، در دنیا منعکس کنند که جمهوری اسلامی از حرف‌هایش برگشت، به چه دلیل؟ به این دلیل که نشسته است و با آمریکا مذاکره می کند (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۷۸).

۲- موانع موجود در تحول روابط دو کشور در سطح منطقه ای

شکل و ماهیت روابط ایران و آمریکا و قطع روابط سیاسی دو کشور در طی چهل سال گذشته اتحادها و ائتلاف‌های منطقه ای را هم شکل داده است و در نتیجه اهداف و منافع کشورها و بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای هم بر این اساس شکل گرفته اند. تحت این شرایط موضوع رابطه ایران و آمریکا دوستان بسیار کمی دارد و برخی کشورهای منطقه خواستار تداوم وضعیت تخصص بین دو کشور هستند. اکثر کشورهای منطقه از جمله اعراب، اروپاییها، چین و روسیه خواستار بهبود روابط سیاسی بین ایران و آمریکا نیستند، ضمن اینکه خواستار جنگ نیز بین دو کشور نمی باشند، بهترین گزینه برای این کشورها وضعیت نه جنگ و نه صلح بین ایران و آمریکا می باشد. (امیراحمدی، ۱۳۸۶: ۱۷). نبود رابطه بین ایران و آمریکا مستقیماً منافع این کشورها را تامین می کند، مثلاً اروپا، روسیه یا چین می خواهند که درهای ایران برای همیشه به روی آمریکا بسته باشد، تا آمریکا در رقابت‌های اقتصادی آینده ایران حاضر نباشد. (همان)

۲-۱) رژیم صهیونیستی: رژیم صهیونیستی یکی از بازیگران اخلاک‌گر منطقه ای است که به شدت خواستار تداوم ساختار تخصص بین ایران و آمریکا می باشد. اسرائیل با بهره گیری از امکانات و تواناییهای تاثیرگذاری خود در جامعه داخلی ایالات متحده مانند لابی های صهیونیستی، رسانه های وابسته به صهیونیسم و کارکرد انتخاباتی یهودیان آمریکا، تلاش می نماید بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران تاثیر گذار باشد. اسرائیل معمولاً خطر ایران را بزرگتر از واقعیت موجود نشان می دهد و هر گونه عادی سازی در روابط ایران و

آمریکا را فرصتی برای ایران برای پیشبرد اهداف خصمانه ایران القاء می‌نماید. اسرائیل خواستار اقدام نظامی مستقیم آمریکا علیه ایران می‌باشد و سعی می‌نماید با بهره‌گیری از اظهارات ضد صهیونیستی مقامات ایرانی و بزرگ‌نشان دادن توانمندیهای نظامی و موشکی ایران به نوعی مظلوم‌نمایی امنیتی نموده و چنین القاء می‌نماید که در صورت بهبود روابط ایران و آمریکا، اسرائیل در مقابل تهدیدات امنیتی ایران تنها خواهد ماند.

۲-۲) کشورهای عرب منطقه: اکثر کشورهای عرب منطقه، بویژه اعراب حاشیه خلیج فارس خواستار تداوم وضعیت تحاصم و عدم رابطه بین ایران و آمریکا هستند. اکثر این کشورها از سیادت و تفوق منطقه‌ای ایران نگران می‌باشند. بویژه عربستان سعودی بهبود روابط ایران و آمریکا را خطری برای رهبری منطقه‌ای خود می‌داند. این دسته از کشورها برای کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران، به همکاری با اسرائیل جهت مقابله با ایران روی آورده‌اند. همچنین اکثر کشورهای ذره‌ای و کوچک حاشیه خلیج فارس، ایران را تهدیدی برای خود می‌دانند. بیشتر کشورهای عرب منطقه از شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی برای تشدید سوء تفاهات بین ایران و آمریکا استفاده می‌نمایند. مثلاً بعد از یازده سپتامبر، جهان عرب در معرض اتهام غرب و آمریکا قرار گرفته بود و حتی آمریکا خواستار تغییر متون آموزشی و دینی خیلی از کشورهای عرب شد. در مقابل حوزه‌های جدیدی از همکاری و دیدگاه‌های مشترک بین ایران و آمریکا شکل گرفته بود. مثلاً ایران در جنگ آمریکا علیه طالبان همکاری نمود و به ارائه کمک‌های نظامی و غذایی، به جنگ اتحاد شمال علیه طالبان پرداخت. (بورمیرگ، ۱۳۸۱: ۲۶۰) با این حال نوک حمله تهدیدات آمریکا از اعراب به سوی ایران منحرف شد و در نهایت علیرغم همکاری ایران در افغانستان، آمریکا نام ایران را در لیست محور شرارت قرارداده‌گونه‌ای که از آن پس در موقعیتهای مختلف این ویژگی (شرارت) برای ترسیم چهره منفی از ایران در دستگاه سیاست خارجی آمریکا مورد استفاده قرار گرفته است (سرخیل و خزعلی، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

۳-۲) ترکیه، پاکستان، هند و روسیه: کشورهای هند، ترکیه، پاکستان و روسیه نیز مانند اعراب و اسرائیل خواستار بهبود روابط ایران و آمریکا نیستند. تفاوتی که چهار کشور

فوق با اعراب و اسرائیل دارند، این است که انگیزه های اعراب و اسرائیل بیشتر امنیتی و سیاسی است، در حالی که انگیزه های ترکیه، پاکستان، هند و روسیه بیشتر اقتصادی است، زیرا در نبود رابطه بین دو کشور، آنها می توانند جایگزین حضور اقتصادی آمریکا در ایران شوند و به نوعی از دلالتی روابط ایران و آمریکا نیز منتفع شوند. چین و کشورهای اروپایی هم دارای چنین انگیزه هایی می باشند.

۳- موانع موجود در تحول روابط دو کشور در سطح دو جانبه: در بحث روابط دو جانبه، هر دو کشور شرایطی را برای مذاکره و احتمالاً برقراری رابطه اعلام می کنند. براین اساس در سطح دو جانبه شاهد شروط گذاری از سوی دو طرف هستیم.

۳-۱) شروط گذاری متقابل: یکی از موانع هرگونه مذاکره و رابطه احتمالی بین دو کشور ایران و آمریکا، شرایطی است که هر دو کشور عمل به آن شرایط یا تامین آن از سوی طرف مقابل را پیش شرط هر گونه مذاکره و گفتگویی می دانند. در برخی از موارد دو طرف ضمن اعتراف به نقش و اهمیت یکدیگر در حل و فصل مسائل منطقه ای و بین المللی و تمجید از یکدیگر، هر گونه ارتباط با یکدیگر را مشروط می نمایند. مثلاً مرحوم هاشمی رفسنجانی در مقام رئیس جمهور ایران در سال ۱۳۷۴ بیان می دارد که «آمریکا یک کشور مشروع بزرگ است و اشکالی هم ندارد که ما با آنها رابطه داشته باشیم، اما وقتی آقای کلینتون عرقچین صهیونیستها را برای اعلام موضعش علیه ایران بر سر می گذارد، معلوم می شود که چنین دولتی با ما نمی تواند کار کند. (اطلاعات، ۱۳۷۴/۱۲/۲۳: ۷) «لی. اچ. هامیلتون» عضو کنگره آمریکا و عضو کمیته روابط خارجی آمریکا در سخنرانی ۱۰ آوریل ۱۹۹۸ در واشینگتن ضمن تمجید از ایران خواستار تغییر ایران نه در حرف بلکه در عمل می گردد و بیان می کند «اهمیت ایران قابل انکار نیست. ایرانیان ملتی مغرور و برجسته با تاریخی طولانی و فرهنگی غنی هستند. ایران با بیش از ۷۰ میلیون نفر جمعیت، پرجمعیت ترین کشور و یکی از با اهمیت ترین مناطق مورد نظر آمریکا، یعنی خلیج فارس می باشد.» (هامیلتون، ۱۳۷۸: ۱۷۲) از نظر ایشان باید سیاست های ایران عملاً در مورد مسائل محوری مانند

فرآیند به اصطلاح صلح خاورمیانه، حمایت از تروریسم و پی‌گیری سلاحهای کشتار جمعی تغییر یابد. همچنین «مارتین ایندایک» گفته است «آمریکا علاقمند به برقراری روابط بهتر با جمهوری اسلامی ایران است. ولی برای اینکه چنین چیزی اتفاق بیفتد ما باید ایران را به تغییر سیاست های خود در مورد تروریسم، مخالفت با فرایند صلح و تکثیر سلاحهای کشتار جمعی تشویق نماییم» (ایندایک، پیشین: ۱۹۰-۱۹۹) اگر چه ایران و آمریکا در موضوعات افغانستان، عراق و اخیرا در قالب برجام مذاکرات مستقیم داشته اند، اما باید توجه داشت که رهبران ایران بیان داشته اند، مذاکرات فقط محدود به موضوعات فوق بوده و قرار نیست به سایر مباحث تسری یابد و باید در مذاکرات موردی هم، خطوط قرمز نظام رعایت شود. در این خصوص مقام معظم رهبری در اول فروردین سال ۱۳۹۲ بیان داشته اند: «در چند مورد، در طول سالهای متمادی، در دولتهای گوناگون، کسانی بر سر موضوعات مقطعی که ما هم مخالفتی نداشتیم با آنها مذاکره کرده اند، اما مربوط به دولتها بوده است. البته همانها هم موظف بوده اند که خطوط قرمز رهبری را رعایت کنند؛ امروز هم موظفند و باید رعایت کنند» (www.leader.ir).

۳-۱-۱) **شرایط آمریکا:** آمریکا در بحث مذاکره و رابطه با ایران یکسری مسائلی را مطرح می کند که در ابتدای امر مستقیما مربوط به روابط دو کشور نیست، اما از سال ۱۳۵۷ تاکنون تمامی دولتهای آمریکا شرایطی را برای مذاکره تعیین نموده اند که رفتار ایران باید نسبت به آن شرایط و موضوعات تغییر یابد و در صورت تغییر رفتار ایران، آنها خواستار مذاکره با ایران خواهند بود.

۱) **عدم مخالفت با روند سازش خاورمیانه:** یکی از پیش شرطهای هر گونه مذاکره و گفتگوی مستقیم با ایران از سوی آمریکا، کنار گذاشتن سیاست مخالفت با روند مذاکرات به اصطلاح صلح خاورمیانه می باشد. از نظر آمریکا ایران یک بازیگر اخلاص گر در مسائل منطقه خاورمیانه بویژه در مذاکرات صلح خاورمیانه می باشد. البته دیپلماسی عملی ایران در ارتباط با صلح خاورمیانه مبتنی بر این امر است که هر گونه سازشی که مردم غیر صهیونیستی حاضر

در سرزمینهای اشغالی داشته باشند، در مقابل آن مانع تراشی نخواهد کرد. براین اساس جمهوری اسلامی ایران اگر چه در سیاستهای اعلامی خود مخالف روند سازش می باشد اما در عمل و در دیپلماسی واقعی به سازش مردم غیر صیهونیستی ساکن در سرزمینهای اشغالی پایبند می باشد. این موضع به طور صریح توسط رهبری انقلاب در دیدارها و نشست های مختلف بیان گردیده است. از جمله ایشان در دیدار با سفرا و نمایندگیهای ایران در خارج از کشور در دهم آبان سال ۱۳۹۴ بیان داشتند «در مسئله ی فلسطین ما ضمن نفی رژیم غاصب و جعلی و محکومیت شدید فجایع و جنایات این رژیم، برگزاری انتخابات با حضور همه ی فلسطینی ها را پیشنهاد کرده ایم که با موازین جاری دنیا نیز کاملا منطبق است. هر دولتی از دل آرای ملت فلسطین بیرون بیاید تکلیف صیهونیست ها و ساکنان سرزمین های اشغالی را مشخص خواهد کرد» (www.leader.ir).

۲) **عدم حمایت از تروریسم:** یکی از اتهاماتی که همواره دولتهای مختلف امریکا بر ایران وارد می سازند، حمایت ایران از جنبشها و نیروهای مقاومت در لبنان و فلسطین (حزب الله، حماس، جهاد اسلامی) است که امریکا از آنها تحت عنوان گروههای تروریستی نام می برد. از نظر امریکا ایران به گروههای فوق کمک های مالی، نظامی و معنوی می نماید و در عملیات نظامی گروگانگیری و تخریبی آنان نقش دارد. از نظر امریکا تفاوتی بین تروریسم مشروع و غیر مشروع وجود ندارد. (Augustus, 2002: 3-7) از نظر امریکا حزب الله در گروگانگیری آمریکایی ها در دهه ۱۹۸۰ و عملیات علیه واحدهای نیروی دریایی امریکا در بیروت دست داشته است. (ibid) امریکا از پذیرش حزب الله به عنوان یک نیروی مقاومت یا یک حزب سیاسی امتناع می ورزد. همچنین از نظر امریکا حماس و جهاد اسلامی هر دو گروههای تروریستی هستند که مقدمات برقراری صلح و امنیت را در فلسطین به خطر می اندازند. از نظر امریکا اقدامات تروریستی حماس، هر گونه چشم اندازی نسبت به توانایی تشکیلات خود گردان در ایجاد امنیت را برای فلسطین و اسرائیل از بین برده است. این در حالی است که از نظر ایران امریکا بدنبال مقابله با تروریسم بین المللی حتی با مفهوم

پذیرفته شده آن در غرب نمی باشد، بلکه هدف آمریکا این است که جمهوری اسلامی از نهضت‌های آزادی بخش بالاحص در لبنان و فلسطین که موجب شکست‌های اساسی برای آمریکا و اسرائیل شده، دست بردارد و این پدیده جدید که بر پایه دو اصل تکیه بر شعائر اسلامی و ایثار و شهادت به وجود آمده است و از آثار و بازتاب‌های برون مرزی انقلاب اسلامی می باشد، از حمایت مادی و معنوی ایران محروم گردد. مقامات عالی ایران در مواقع مختلف صراحتاً- حمایت خود را از حزب الله و حماس و گروه‌های مبارز فلسطینی اعلام نموده اند. مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه ۱۴ بهمن ۱۳۹۰ بیان داشتند: «... ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه اش هم پیروزی جنگ سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش میکنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است (www.leader.ir) همچنین مرحوم هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۶ در حمایت از حماس و جهاد اسلامی گفت «در مورد حماس و جهاد اسلامی هم، من باز تکرار می کنم آنها در حال انجام مبارزه ملی هستند تا کشورشان را نجات دهند و ما در این راه از آنها حمایت می کنیم» (اطلاعات، اسفند ۱۳۷۶: ۶-۷).

۳) عدم تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی: یکی دیگر از پیش شرط‌های آمریکا برای مذاکره با ایران عدم تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های کشتار دسته جمعی است. در واقع این موضوع هم یکی از اتهامات آمریکا علیه ایران می باشد که در بیشتر دولت‌های آمریکا مطرح بوده است. علاوه بر این در مورد فعالیت‌های هسته ای ایران، آمریکایی ها هر گونه مذاکره با ایران را منوط به تعلیق غنی سازی از سوی ایران می نمودند. اگر چه مقامات جمهوری اسلامی ایران ضمن دانستن داشتن توان نظامی و موشکی، پایبندی خود را به کنوانسیون های بین المللی در زمینه خلع سلاح و کنترل سلاح‌های کشتار جمعی اعلام نموده اند و بیان داشته اند که استفاده از سلاح‌های کشتار دسته جمعی در دکتترین

امنیت ملی ایران جای ندارد. در این خصوص رهبری انقلاب در ۲۸ بهمن ۱۳۹۱ بیان داشته اند: «ما نمیخواهیم سلاح هسته ای درست کنیم؛ نه به خاطر اینکه آمریکا از این ناراحت میشود؛ عقیده ی خود ما این است. ما اعتقاد داریم که سلاح هسته ای جنایت بر بشریت است و نباید تولید شود؛ آنچه هم که در دنیا هست، باید محو شود و از بین برود(www.leader.ir) با این حال ایالات متحده همچنان به قصد و نیت فعالیتهای نظامی و هسته ای ایران بدبین می باشد. ضمن اینکه در این مورد اقدامات و فعالیتهای اسرائیل در جهت بزرگنمایی تسلیحات نظامی ایران تاثیر گذار می باشد. در این راستا اگرچه مجموعه کشورهای غربی به همراه آمریکا در قالب برجام به یک توافق هسته ای با ایران دست یافته اند، اما همچنان ایالات متحده توان موشکی ایران را یک تهدید بزرگ تلقی می نماید. به طور مثال «جان کری» وزیر خارجه وقت آمریکا در روزهای آخر حضور خود در دولت «اوباما» تصریح کرد که علیرغم وصول به توافق هسته ای با ایران، باید «به فشار و عقب راندن ایران در مسایل برنامه موشکی، حمایت از تروریسم، بی توجهی به حقوق بشر و مداخله ثبات زدایانه در امور همسایگانش ادامه دهیم» (Kerry, 2017: 5) به گونه ای که این کشور حتی توافق برجام را کافی به مقصود خود ندانسته و ضمن خروج یکجانبه از این توافق، سایر کشورهای حاضر در این توافق را نیز تهدید و تحریک به خروج می نماید.

۴) **رعایت حقوق بشر:** یکی از راهبردهای سیاست خارجی آمریکا در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران تاکید بر نقض حقوق بشر توسط ایران بوده است. دولت آمریکا سعی می نماید نام ایران را در لیست کشورهای ناقض حقوق بشر قرار دهد. آزادی مذاهب مورد نظر آمریکا مثل بهائیت و آزادی بی قید زنان، حذف برخی از قوانین جزایی از جمله مصادیق حقوق بشر مورد نظر آمریکا می باشد. از نظر جمهوری اسلامی ایران، ادعاهای حقوق بشری آمریکا دستاویزی برای اعمال سیاست بین المللی و منطقه ای، این کشور است. زیرا در بین کشورهای منطقه خاورمیانه، ایران از جمله کشورهایی است که بالاترین استانداردهای

حقوق بشر را دارد، اما آمریکا در برخورد با برخی از کشورها مثل عربستان که در آن زنان از حقوق سیاسی- اجتماعی خود محروم هستند و یا منتقدین سیاسی مانند «جمال خاشقچی» قطعه قطعه می شوند، به صورت دو گانه ها برخورد می نماید. علاوه بر موارد اشاره شده بالا از نظر ایرانیان آمریکا شرایط دیگری را هم برای مذاکره و رابطه بیان می دارد که عمل به برخی از آنها با هویت و ماهیت جمهوری اسلامی ایران در تناقض می باشد، مواردی مانند لغو حکم سلمان رشدی، حذف اصالت شریعت شیعی و ولایت فقیه در قانون اساسی، به رسمیت شناختن اسرائیل، پذیرش سکولاریسم و آزادی مذهبی و ارزشهای لیبرال دموکراسی در ایران و رعایت آنها (مهدیزاده، پیشین: ۱۷) در مقابل شرطهای مورد نظر آمریکا، ایران هیچ گونه شرطی را از سوی آمریکا نمی پذیرد و حتی بین مذاکره بدون پیش شرط و رابطه تفکیک قائل شده و نفس مذاکره با آمریکا برای ایران دارای اصالت و موضوعیت می باشد. به این معنا که برخلاف دیدگاههای رایج روابط بین الملل (رنالیسم و لیبرالیسم)، مذاکره دیپلماتیک صرفاً جنبه ابزاری و طریقت ندارد، بلکه ابزار مذاکره خود دارای معنا و مفهوم می باشد. در این رابطه، رهبری انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) می گوید: «امروز اگر جمهوری اسلامی وارد مرحله مذاکره با آمریکا هم بشود، بدون اینکه بخواهد مقدمه ارتباط باشد، مذاکره فقط برای حل مسائل، آن طور که خود آمریکائیا این را مرتب مطرح می کنند که ما برای مذاکره با شما آماده هستیم، آنها می توانند این مذاکره با ما را هر طور دلشان می خواهد به نفع خودشان در آورند. اگر ما آن جهاز تبلیغاتی را داشتیم، من حرفی نداشتم، می گفتم عیبی ندارد، مذاکره می کنیم، اما ما آن جهاز تبلیغاتی را نداریم و به ضررمان تمام خواهد شد. لذا اعلان کردیم که با مذاکره با آمریکا هم مخالفیم. چون به مجرد انجام گفتگو و مذاکره هر جهت حسن هم که داشته باشد... در کشورهای دنیا، در میان ملتها و در ملت خودمان آن چنان این قضیه را سر و صورت خواهند داد و مطرح خواهند کرد و بیرون خواهند آورد که برای ما جز آبرو ریزی و زیان نتیجه ای نخواهد داشت. (محمدی، پیشین: ۱۷۸-۱۷۹).

۳-۱-۲) **شرایط ایران:** در مقابل شرایط گذاری آمریکا، ایران نیز شرایط خود را برای مذاکره و رابطه با این کشور دارد. در این رابطه حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) رهبری انقلاب اسلامی ایران بیان می دارد «صحبت رابطه که می شود بنا می کنند شرط و شروط گذاشتن ... چه شرطی؟ ما شرط داریم برای رابطه با کشوری که همه فجایع پشت سر و در تاریخ آن وجود دارد. شرط ما توبه ی آن کشور است؟ شرط ما قطع آن همه فاجعه آفرینی برای دنیاست. حالا شما می آید برای ما شرط می گذارید؟!» (همان) رهبران سیاسی ایران هرکدام به زبانی، شرایط ایران را برای رابطه و مذاکره با آمریکا بیان نموده اند. مثلا حضرت امام خمینی (ره) بیان داشته اند، ما تا آخر ایستاده ایم و با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر آنکه آدم شود و از ظلم کردن دست بردارد. و یا مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی اظهار داشتند «تا زمانی که آمریکا حسن نیت خود را ثابت نکند، امکان مذاکره و برقراری رابطه نیست». رئیس جمهور دولت اصلاحات بیان داشته اند «باید دیوار بی اعتمادی فرو ریخته شود تا بتوان وارد گفتگو و مذاکره شد (www.porsojoo.com) اگر چه جمهوری اسلامی ایران پیش شرطهای مختلفی را برای مذاکره و رابطه بیان می دارد اما مهمترین آنها عبارتند از:

۱) **پذیرش عملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک واقعیت انکار ناپذیر در منطقه و تضمین امنیت و بقاء آن:** یکی از نقاط تخصص ایران با ایالات متحده این است که آمریکا واقعیتهای جمهوری اسلامی ایران را نمی پذیرد و ایران را به عنوان یک قدرت منطقه ای شناسایی نمی کند. از نظر رهبران ایران، ایالات متحده از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تاکنون به طور مداوم به دنبال توطئه برای براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده است. این درحالی است که از نظر ایران، امریکا باید ایران را همانگونه که هست بپذیرد و اگر نپذیرفت که با ایران همانگونه و در سطح مساوی به گفتگو و مذاکره بپردازد، امکان مذاکره و رابطه پیش نمی آید. ایالات متحده باید از هر گونه توطئه بر علیه ایران و یا دخالت در امور داخلی کشور اجتناب نماید و بپذیرد که جمهوری اسلامی ایران

نظامی مستقل است و تصمیم‌گیری‌های آن در قالب اهداف، مصالح و منافع کشور صورت می‌گیرد و اصل برابری دولت‌ها را به صورت واقع‌بینانه در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران محترم شمارد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) رهبری جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد که «آمریکا از مصادیق و مواردی است که ما ارتباط با آن را قبول نداریم و رد می‌کنیم سوال می‌شود تا کی؟... تا وقتی که سیاست‌های مبنی بر زور و ظلم و فشار و خصومت با جمهوری اسلامی و پشتیبانی بی‌قید و شرط از دولت صهیونیستی خاتمه یابد» (محمدی، پیشین: ۱۷۰) نماینده سابق ایران در سازمان ملل نیز در این رابطه گفته است که «اگر روزی آمریکا دست از سلطه‌گری بردارد و در این جهت حسن نیت و صداقت خود را به اثبات برساند. طبعاً شرایط فرق خواهد کرد». (اطلاعات: ۱۳۷۹/۱۲/۲۳: ۷) مرحوم هاشمی رفسنجانی نیز در این مورد اظهار نموده است که «روزی که مردم احساس کنند آمریکایی‌ها روش خصمانه‌ای نسبت به انقلاب اسلامی ندارند، شاید در شعارهایشان تجدید نظر کنند... حرف ما بر سر سیاست‌های خصمانه آمریکاست و اگر این سیاست‌ها تعدیل شود، هیچ خصومتی بین دو کشور وجود نخواهد داشت (اطلاعات: ۱۳۷۱ / ۱۱ / ۱۱: ۲).

۲) کنار گذاشتن سلطه‌گری و خوی استکباری: از نظر جمهوری اسلامی ایران، هدف آمریکا بازگرداندن سلطه سابق خود بر ایران است و تا زمانی که آمریکا خوی سلطه و استکباری خود را کنار نگذاشته، امکان هیچ‌گونه مذاکره و گفتگویی وجود ندارد. در واقع یکی از ابعاد انقلاب اسلامی ایران تاکید بر استقلال سیاسی و حاکمیت بر سرنوشت خویش بوده است. شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی ایران نشانگر اهمیت هنجار استقلال برای ملت ایران بوده است.

از نظر جمهوری اسلامی ایران، قبل از انقلاب، حکومت ایران دست‌نشانده آمریکا بود و آمریکاییان در ایران فعال‌مآی‌شاء بودند. بر این اساس تمام تلاش آمریکاییان بازگرداندن رشته پیوند گذشته و همان سلطه سابق است. رهبری انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در این زمینه می‌گوید «هنوز که هنوز است، آمریکایی‌ها تلاششان این است که همان رشته‌ی

باریکی را که با حادثه تسخیر لانه جاسوسی قطع شد، دوباره برقرار کنند. هنوز آن تلاش را می کنند. چرا؟ برای این که از همان رشته باریک طرف قدرتمند برای تحمیل خواسته‌های خود بر طرف ضعیف استفاده می کند. (محمدی، پیشین: ۱۷۲)

۳) خروج از منطقه و کشورهای همسایه ایران: از نظر جمهوری اسلامی ایران حضور آمریکا در منطقه بویژه در خلیج فارس، عراق و افغانستان منشاء تهدید و مخل امنیت است. بر این اساس یکی از شرایط جمهوری اسلامی ایران این است که آمریکا از منطقه خارج گردد و ملتهای مسلمان را به حال خود واگذار نماید. علاوه بر شرایط ذکر شده فوق، جمهوری اسلامی ایران شرایط دیگری را هم مطرح می کند که برخی از آنها عبارتند از: پرهیز از تبلیغات علیه جمهوری اسلامی ایران و علیه اندیشه سیاسی مردم سالاری دینی، پرهیز از ایراد اتهاماتی مانند حمایت از تروریسم، بنیادگرایی اسلامی و غیره به ایران و پذیرش حقوق مسلم هسته ای ایران از سوی آمریکا و همچنین آزاد کردن اموال مسدود شده ایران در آمریکا. شایان ذکر است که اگرچه در قالب مذاکرات برجام بخشی از حقوق هسته ای ایران مورد پذیرش قدرتهای بزرگ از جمله آمریکا قرار گرفته بود، اما از نظر ایران آمریکا همچنان در قول و فعل از اعمال فشار بر علیه ایران دست بر نمی دارد. کما اینکه خروج یکجانبه آمریکا از توافق نامه برجام نیز نشانگر این است که به قول و عهد آمریکا نمی توان اعتماد کرد.

۴) موانع هویتی: یکی از مسائل پیچیده در بین ایران و آمریکا این است که هر دو کشور نگاه هویتی به یکدیگر دارند. به این معنی که ایالات متحده در سطح بین المللی رسالت خود را مبارزه با جمهوری اسلامی ایران به عنوان منبع تروریسم و بنیادگرایی می داند و از طرفی خواستار شناسایی جایگاه واقعی ایران در منطقه نمی باشد. (بورمبرگ، پیشین: ۲۳۶) در این راستا بعد از فروپاشی شوروی آنچه که به سیاست خارجی آمریکا معنا می داد و براساس آن ایالات متحده هویت خودش را تعریف می کرد مبارزه با بنیادگرایی بود. بعد از حوادث یازده سپتامبر مبارزه با تروریسم منبع معنا و هویت برای سیاست خارجی آمریکا

گردید. براین اساس از نظر آمریکا، جمهوری اسلامی ایران در کانون مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی قرار دارد و به همین دلیل بود که ایالات متحده نام جمهوری اسلامی ایران را در لیست محور شرارت قرار داد. در مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز در سطوح ملی، منطقه ای و بین‌المللی هویت خود را در مبارزه با سیاست سلطه‌گری و سیطره‌جویی ایالات متحده تعریف می‌کند. جمهوری اسلامی ایران خصلت انقلابی خود را در مبارزه با آمریکا به عنوان مظهر سلطه، امپریالیسم و استکبار تعریف می‌کند و یکی از علل محبوبیت خود را در بین ملت‌های منطقه و جهان، مبارزه با آمریکا تلقی می‌نماید. مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در این خصوص بیان می‌دارد که: «ملت ایران امروز پیش‌قراول است و باید با اعتماد و اتکا به نفس عمل کند؛ زیرا دنیا محتاج به اوست ... ما ملتی قدرتمند با ریشه و پرافتخار هستیم که به هیچ چیز و هیچ کس احتیاجی نداریم ... ملت ما پیام آور سخنی نو برای جهانیان است و آنچه در دست دارد مورد نیاز بشریت است. (بیانات رهبری: کیهان، ۲۱ دی ۱۳۷۲)» «ما امروز هم به عنوان یک تهدید علیه استکبار محسوب می‌شویم و هم مورد تهدید هستیم و علت آن نیز ام‌القراء بودن ایران بین مسلمانان و دنیاست. (بیانات رهبری: کیهان، ۵ اردیبهشت ۱۳۷۳)» «تا هنگامی که در ایران اسلامی به عنوان ام‌القراء اسلام فریاد دفاع از مسلمانان سرداده می‌شود، تمام فشارهای دنیای استکبار متوجه ایران است... دنیای استکباری بداند ما هرگز از اسلام و دفاع از ارزشهای اسلامی دست نخواهیم کشید. (بیانات رهبری: اطلاعات، ۲۱ اسفند ۱۳۷۳).

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر که در چارچوب تئوریک نظریه سازه‌انگاری سامان یافته است، در خصوص روابط ایران و آمریکا می‌توان بیان داشت که روابط دو کشور یک رابطه مرسوم و عادی در سطح روابط بین‌الملل نبوده، بلکه دارای ماهیتی هویتی است که این هویت از جانب ایران ریشه در هنجارها و ارزشهای مقوم انقلاب اسلامی ایران دارد. لذا از نظر جمهوری اسلامی ایران تا زمانی که ایالات متحده در مقام یک قدرت سلطه‌گر به

توطئه و دسیسه علیه ایران می پردازد، امکان عادی سازی روابط وجود ندارد. در واقع از زمان رویش اولیه بذر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲ که با سخنرانی امام خمینی (ره) علیه شاه و آمریکا صورت گرفت، آمریکا به عنوان یک «غیر» (other) مظهر استکبار، سلطه گری، زورگویی، استعمار و استثمار تلقی گردیده است که با وقوع انقلاب اسلامی و تداوم اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران در اشکال مختلف مانند: حمایت از عناصر ضد انقلاب، حمایت از کودتای نوژه، اقدام در قالب عملیات پنجه عقاب (عملیات طبس) در سال ۱۳۵۸، تحمیل جنگ عراق علیه ایران با تحریک و حمایت از رژیم بعثی عراق، انهدام هواپیمای مسافربری ایران در سال ۱۳۶۷، اعمال تحریم های یکجانبه علیه ایران و سایر اقدامات خصمانه دیگر باعث گردیده است که در فضای گفتمانی انقلاب اسلامی، آمریکا به عنوان یک قدرت شر، سلطه گر و مداخله جو باز تولید شده و در نتیجه هویت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت مستقل و آزادی خواه در سطح منطقه و جهان، مقابله با سیطره چنین قدرتی شکل بگیرد. تحت این شرایط است که ساختار تخصص همچنان در روابط دو کشور باز تولید، تحکیم و تداوم می یابد. براساس یافته های تئوریک این پژوهش، از آنجایی که از منظر نظریه سازه انگاری هویتها و اغیار در یک رابطه تقابلی شکل می گیرند، آمریکا نیز هویت خود را در مقابله با ایران با عنوان به اصطلاح منبع تروریسم تعریف می نماید. با توجه به نفوذ گروهها و لابی های صهیونیستی در جامعه و سیاست داخلی آمریکا، دولتمردان این کشور رسالت و هویت خود را مقابله با خطر قدرت فزاینده ایران در منطقه می دانند و به نوعی هویت ایجابی خود را حمایت از اسرائیل و متحدین خود تعریف نموده و بیان می نمایند که تا زمانی که ایران سیاستهای خود را در خصوص مسائل مهم منطقه از جمله روند به اصطلاح صلح خاورمیانه، تروریسم، سلاحهای کشتار دسته جمعی و حقوق بشر تغییر ندهد، امکان مذاکره و گفتگو با ایران وجود ندارد. تحت این شرایط است که ساختار تخصص در روابط دو کشور اگرچه در مواقعی محدود کم رنگ می شود، اما وضعیت: مستمر، ثابت و حاکم در روابط ایران و آمریکا است.

منابع:

- الموسوی خمینی، روح الله (ره) (۱۳۶۴). **صحیفه نور**، تهران: سازمان اسناد و مدارک انقلاب اسلامی، جلد نوزدهم، (بیانات: مورخ ۱۱ آبان ۱۳۶۴).
- امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۸۶). **دموکراتها بهتر از جمهوری خواهان**، تهران: شهروند امروز، شماره ۴.
- ایندایک، مارتین (۱۳۷۸). سخنرانی «مارتین ایندیک» در انجمن آسیایی آمریکا در اکتبر ۱۹۹۹ در نیویورک، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۱۹.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۵). «تضاد نقشها: بررسی ریشه های منازعه ایران و آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۳۹.
- بورمبگ، دانیل، آیا ابهام در روابط ایران و آمریکا پایان می یابد؟ (۱۳۸۱). ترجمه نادر پور آخوندی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال پنجم، شماره سوم و چهارم.
- خامنه ای، علی (حضرت آیت الله علی خامنه ای (دام ظلّه)) (۱۳۹۲/۱/۱). بیانات قابل دسترسی در www.leader.ir/fa/speech/1049/
- خامنه ای، علی (حضرت آیت الله علی خامنه ای (دام ظلّه)) (۱۳۸۷/۱۲/۱۴). بیانات قابل دسترسی در www.leader.ir/fa/speech/4856/
- خامنه ای، علی (حضرت آیت الله علی خامنه ای (دام ظلّه)) (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). بیانات قابل دسترسی در www.leader.ir/fa/speech/9093/
- خامنه ای، علی (حضرت آیت الله علی خامنه ای (دام ظلّه)) (۱۳۹۱/۱۱/۲۸). بیانات قابل دسترسی در www.leader.ir/fa/speech/1035/
- خامنه ای، علی (حضرت آیت الله علی خامنه ای (دام ظلّه)) (۱۳۸۰/۱۲/۲۷). بیانات قابل دسترسی در www.leader.ir/fa/speech/2244/
- خامنه ای، علی (حضرت آیت الله علی خامنه ای (دام ظلّه)) (۱۳۹۴/۸/۱۰). بیانات قابل دسترسی در www.leader.ir/fa/speech/13826/
- خامنه ای، علی (حضرت آیت الله علی خامنه ای (دام ظلّه)) (۱۳۷۳). بیانات قابل دسترسی در: **روزنامه کیهان**، ۱۳۷۳/۲/۵، ص ۳.
- خامنه ای، علی (حضرت آیت الله علی خامنه ای (دام ظلّه)) (۱۳۷۲). بیانات قابل دسترسی در: **روزنامه کیهان**، ۱۳۷۲/۱۱/۲۱، ص ۳.

- خامنه ای، علی (حضرت آیت الله علی خامنه ای (دام ظلّه)) (۱۳۷۳). بیانات قابل دسترسی در: **روزنامه اطلاعات**، ۱۳۷۳/۱۲/۲۱
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۷). «رابطه متقابل هویت سیاسی و جمهوری اسلامی ایران و آمریکای دشمن»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، تابستان ۹۷، شماره ۸۰.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۳). «کنگره و ماهیت سیاست خارجی آمریکا»، **فصلنامه مطالعات منطقه ای**، سال پنجم، شماره ۳.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۷). «پویایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ترکیب تناقض نماها»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال سی و دوم، شماره ۴.
- ستوده آرانی، محمد (۱۳۸۱). «رابطه ساختار کارگزار: چارچوبی برای مطالعه تحول سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال شانزدهم، شماره ۱.
- سحابی، عزت الله (۱۳۷۸). در کتاب: «**رابطه**» به کوشش مهرداد فرید، تهران: روزنامه سلام.
- سرخیل، بهنام و خزعلی فاتن (۱۳۹۶). «تصویرسازی تهدید انگار از جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه دانش سیاسی**، سال سیزدهم، شماره ۲.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷). «اسرائیل و استمرار تنش میان ایران و آمریکا»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال یازدهم، شماره ۱.
- قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۳). «تحلیل تکوین گرایانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفتم، شماره اول.
- کلارک، یان (۱۳۸۲). **جهانی شدن و نظریه روابط بین الملل**، ترجمه فرامرز تقی لو، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). **آمریکا در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- محمدی، منوچهر، یادداشت: رابطه ایران و آمریکا: مذاکره یا مقابله. قابل دستیابی در www.porsojoo.com/fa/book/print/23
- مهدیزاده، بابک (۱۳۸۶). گفتگو: با حسن عباسی، **شهروند امروز**، سال دوم، شماره ۴.
- نصوحیان، مهدی. یادداشت: «موانع بهبود روابط ایران و آمریکا»، قابل دستیابی در www.bashgah.net
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲). «سازه انگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال هفدهم، شماره ۴.

- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۷۴). سخنرانی قابل دسترسی در: روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۱۲/۲۳، ص ۷.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۷۴). سخنرانی قابل دسترسی در: روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۱/۱۱، ص ۲.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۷۴). سخنرانی قابل دسترسی در: روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۱/۱۱، ص ۱.
- هامیلتون، لی. اچ (۱۳۷۸). «ارزیابی مجدد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، در کتاب: **رابطه**، به کوشش مهرداد فرید، تهران: روزنامه سلام.
- Augustus, Richard (2002). American, s Approache to the Middle East Lagacies, Questions and Polssibilities, Current History, Januray.
- Barry, Tom (2006 September 12). The Necons Are Talking War-Again, Accessed on: [Www.rightweb.irc-online.org](http://www.rightweb.irc-online.org).
- Greenberg, B.Sanley (1995).Middle Class Dreams: the Politics and the Power of the New American Mejarity, New York: Random House.
- Gross, L.Martin (1996).Political Racket: Deceit, Self Interest and Corruption in American Politics, New York: Ballantine BOOKS.
- Keinon, Herb (2007April10). Official: US Talks Could Isolate Israel, Accessed on: www.jopost.com.
- Kerry, John (2017 January 5). Exit from Secretary Kerry to President Obama, U.S. Accessed on: <https://2009-2017.state.gov/r/pa/prs/ps/2017/01/266480.htm>
- Johnson, Paul (1985) the almost chosen People, The Wilson Quarterly, vol.9, no.5, winter.
- R.K.Ramazani (1992). Iran, s Forign Policy: Both North and South, Middle East journal, Vol.46, no.3, Summer.

